

کورتزیو مالا پارتہ

---

❖

# ترس جان

❖

---

ترجمہ ی بہمن محمص



## فهرست

۷	مدارک و شرح حال
۲۳	طاعون
۶۳	باکتری ناپل
۸۳	کلاه گیس
۱۱۳	گل های گوشت
۱۵۷	پسر آدم
۱۸۳	باد سیاه
۲۱۹	مهمانی ژنرال کورک
۲۶۳	پیروزی کلوریندا
۲۹۱	باران آتش
۳۰۷	پرچم
۳۴۱	محاكمه
۳۶۹	خدای مرده

## مدارک و شرح حال

کورتزیو سوکرت - که نام کورتزیو مالاپارته به خود نهاد - نویسنده و درام‌نویس و روزنامه‌نگار ایتالیایی است که به سال ۱۸۹۸ از خانواده‌ای آلمانی در پراتو - یکی از شهرهای ایالت تسکانا - به دنیا آمد و در تابستان ۱۹۵۷ به سرطان ریه در رم درگذشت.

مالاپارته در جنگ اول جهانی داوطلبانه شرکت کرد و نشان لیاقت گرفت. پس از ۱۹۱۸ با تمام وجودش به سیاست و روزنامه‌نگاری پرداخت و روحیه‌ی ماجراجویش در این فعالیت‌ها بی‌تأثیر نبود. با روحیه‌ی عاصی خاص خود - نسبت به هر قید و بند سنتی‌ای - به فاشیسم پیوست و همزمان آن به فعالیت‌های مختلف ادبی مشغول شد: انتشار مجله‌ی پانزده روزه‌ی «فتح حکومت» در رم ۱۹۲۴، سردبیری روزنامه‌ی «بازار ادبی» ۱۹۲۸-۱۹۳۱ که بعدها نیز با آن همکاری داشت. مدیریت *La Stampa* ۱۹۲۹-۱۹۳۱ در شهر تورینو. انتشار مجله‌ی ادبی *Prospective* در رم ۱۹۳۷-۱۹۴۳.

روحیه‌ی ادبی‌ی مالاپارته در اوایل و به هنگام شکل گرفتن بسیار متغیر و میان دو قطب دانونزیو - پاپینی در نوسان بود، ولی به زودی تغییرات فوق‌العاده‌ای در کارش پدید آمد و این امکان وجود دارد تا آنچه را که بر آثارش تأثیر گذارده است بررسی کرد: نوعی ادونیسیم - مکتب اخلاقی‌ای که خوبی‌ای جز خوشی و بدی‌ای جز رنج نمی‌شناسد - روشنفکرانه که بر هر شجاعتی گشاده است و از نیروی پایان‌ناپذیر تازگی سرچشمه می‌گیرد.

از میان فعالیت‌های مختلفش باید حتماً به *Strapoese* توجه کرد - که در زمان فاشیسم نشر می‌یافت - چرا که مالاپارته با این مجله سنت ایتالیایی تقریباً عامیانه و شجاع و عجیب را جایگزین «مد ادبی»ی خارجی نمود که رسم روز بود. ولی حتی در *Strapoese* نیز - که به لحن عامیانه و «ادبیات مردم» نشر می‌یافت - توجه مالاپارته به ظرافت کلام بود و به کار بردن آگاهانه‌ی لغات که استعداد بی‌نهایت ادبی‌اش را آشکار می‌کند. بی‌جا نخواهد بود گفته شود که «این نوع کار» بعدها - وسیله‌ی دیگران - در ادبیات ایتالیا رواج یافت، ولی با نوعی ادا و نمایش روشنفکرانه آمیخته بود.

در دو اثر بزرگش پوست و *Kaputt* - که از نظر نمایاندن آداب و رسوم زندگی ایتالیا پس از جنگ دوم جهانی دارای نهایت اهمیت است - مالاپارته - قبل از هر چیز - ناظری آزاد است و نشان دهنده‌ی واقعیتی مشکوک.

اگر علاوه به «سرو صدا» - گذشته از این خواست که "*L'antont terrible*" اجتماع باشد - یکی از روشن‌ترین جوانب روحیه‌ی مالاپارته است نباید استعداد و هوش و استادی ادبی‌ی کم‌نظیرش را فراموش کرد که در تمام آثار متعدد و مختلفش دیده می‌شود. آزادی و شجاعت و خیال‌پردازی‌ی اصیل و هماهنگی و دقت در بیان حالت او را در ردیف بزرگ‌ترین نویسندگان جهان قرار می‌دهد. اگر «ادبیات» آگاه و ظریف و اشرافی‌اش گاهی در نوعی «خوشایندی» سقوط می‌کند و اگر «طنازی‌ی جراح واقعیت بودن» گاهی وی را - به صورتی بسیار طبیعی - به سورئالیسمی سوق می‌دهد - که ابداً سطحی نیست - سبب لطمه دیدن نثر آگاه و بسیار استادانه و نبوغ ادبی‌اش نمی‌شود. مالاپارته در «ادبیات» نیز چون در زندگی «ماجراجو بود»: (برای زندگی‌ی